

ناگفته‌هایی از

حیات شیخ مفید

به استیصال نزار مفید

ژوئیه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فقهی سید محمد جواد شبیری

سده چهارم تاریخ اسلام سده‌ای پر جوش و خروش بود، در این سده، دوره درخشان علم و دانش با استقرار دولت بویه‌یان در بغداد آغاز گشت، نوایغ متفکران طلوع کردند، دانشهای گوناگون نضج یافت و به صورت علمهای کامل درآمد و کتابهای جامع در بیشتر رشته‌ها تألیف شد، حکومت‌های چندی از جمله بویه‌یان در ایران و عراق، سامانیان در ترکستان و خراسان، زیاریان در طبرستان، حمدانیان در حلب و موصل و فاطمیان در مصر به یاری علم و دانش به پا خاستند، بغداد مرکز علم جهان اسلام شد، و در بیشتر شهرهای اسلام از ترکستان در خاور تا اندلس در باختر، فیلسوفان و پزشکان و ستاره‌شناسان و متکلمان و فقیهان و ادیبان ظهور کردند.

فیلسوفان شهیری چون ابونصر فارابی، ابوعلی مشکویه، ابوعلی سینا و طبیعت شناسان و ریاضیدانان و منجمان نام آوری همچون ابوالوفاء بوزجانی، ابن هیثم، ابوریحان بیرونی، عبدالرحمن صوفی، احمد بن عبدالجلیل سیحری، در این عصر جلوه نمودند، پزشکان گرانقدری به مانند مجوسی اهوازی، ابوالقاسم زهرآوی و ابوعلی سینا در این زمان می زیستند.

در این دوران مورخان نامداری چون ابوالفتح اصفهانی، ابوعبیدالله مرزبانی، ابوعلی مشکویه درخشیدند.

ادب و ادبیات عرب پیشرفت چشمگیری نمود، نحویان برجسته ای مانند ابوسعید سیرافی، ابن خالویه، ابوعلی فارسی، ابوالفتح بن جتی، و نویسندگان و شعراء و ادباء بزرگی چون ابوالطیب مُتنبی، ابوبکر خوارزمی، ابن فارس همدانی، بدیع الزمان همدانی، شریف رضی بر کشور ادب حکم می رانند، ابن نباته خطیب بی نظیر و ابن حجاج شاعر شوخ طبع در این دوران ظهور کردند، خوشنویس بی مانندی مانند ابن تَوَّاب در اواخر سده چهارم هنرنمایی می کرد، وزیران با اقتداری مانند ابوالفضل بن عمید و صاحب بن عبَّاد خود از دانشمندان و ادیبان طراز اول عصر خویش بودند، ابوفراس امیر حَمَدانی شاعر بزرگ دوران خود در این زمان می زیست (*).

عَضُدالدوله، سلطان دانشمند و مقتدر بویهی در تشویق دانشمندان سهم عمده ای داشت، ساخته شدن بیمارستان عَضُدی در بغداد، و فراهم آمدن کتابخانه های گرانقیمتی چون کتابخانه عضدالدوله در شیراز و کتابخانه صاحب بن عبَّاد و ابن عمید در ری، نشانه ای از اهتمام حکمرانان آن زمان به گسترش علم بود، شاپور بن اردشیر وزیر بهاءالدوله در سال ۳۸۱ (یا ۳۸۳) کتابخانه عظیمی در بغداد به نام دارالعلم تأسیس کرد که پس از مرگ وی اداره آن برعهده شریف مرتضی علم الهدی قرار گرفت^۱ متأسفانه کتابهای بسیاری از کتابخانه صاحب بن عبَّاد در حمله محمود غزنوی به ری (در سال

۱ - شرح حال اجمالی این دانشمندان را در پایان همین قسمت از نوشتار خواهید دید.
۱ - بنگرید: المنتظم ابن جوزی، عبرت‌دهی وقایع سال ۳۸۳ و سال ۴۵۱ و مقایسه کنید با منتظم و کامل ابن اثیر وقایع سال ۴۱۶.

۴۲۰) در آتش تعصب کور سوخت، دارالعلم و کتابخانه شیخ طوسی نیز در پی ورود ظُغْرُل سلجوقی به بغداد در سال ۴۴۷ به همین سرانجام دچار گردید. این روزگاران در تاریخ تشیع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، با تشکیل حکومت‌های مستقل شیعی: حَمْدانیان در حلب و موصل و آن بویه در ایران و عراق، شیعیان توانستند به آزادی نسبی در ابراز عقائد خویش برسند. به تدریج ریاست جهان شیعه از قم به بغداد منتقل گشت، هجرت عالمانی چند از جمله مُحَمَّد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹)، جعفر بن مُحَمَّد بن قُؤلُوبَه قُمی (م ۳۶۹) و مُحَمَّد بن احمد بن داود قُمی (م ۳۶۸) در باروری حوزه بغداد نقش مؤثری داشت.

در این زمانه شهر بغداد — مرکز کشور پهناور اسلامی — پر بود از مناظرات و بحث‌های مختلف مذهبی، آن هم از جانب شخصیت‌های برجسته فرقه‌های گوناگون، افسوس که گاه مناظرات روشنگر به جنگ‌های بنیان کن بدل گشته، نادانیها و تعصبات، محله‌ها و خانه‌ها و بازارها و بلکه انسانها را در آتش خود می‌سوزاند.

در این میانه، مصلحی بزرگ و قهرمانی بی‌خاسته و مغز متفکری درد آشنا، مشعل دار هدایت و ابلاغ گردید، شیخ اعظم و رئیس مقدم، پیشوای متکلمان و فقیهان شیعی، مُحَمَّد بن مُحَمَّد بن نُعْمَان معروف به شیخ مفید جهادگری که همواره در میدان دفاع از حق حضور داشته و پیوسته فاتح بیرون می‌آید.

اکنون — به امید خدا — قصد آن دارم که به ساحل این دریای پرتلاطم گام نهم، و با امداد از انفاس قدسی این روح پرخروش، نگاهی به آفاق این بحر موج افکنم، می‌کوشم از قسمتهائی سخن گویم که کمتر بدان پرداخته اند *

.....

* — در تنظیم این مقدمه از کتابهای بسیاری بهره گرفتیم بویژه از کتاب تاریخ آداب اللغة العربیه تألیف جرجی زیدان (مشورات دارمکتبه الحیات، بیروت ۱۹۸۳ م/ج ۱ ص ۵۲۹ تا ۵۴۳) استفاده بردیم، ترجمه عبارات آن را بیشتر از کتاب میرحامد حسین، محمدرضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۱ ه.ق/ از ص ۳۶ تا ۳۸ برگرفتیم.

نسب شیخ مفید

ابوالحسین نجاشی رجالی مقدم وشاگرد مفید، نسب وی را چنین آورده است:

محمد بن محمد بن النعمان بن عبدالسلام بن جابر بن النعمان بن سعید بن جبیر بن وهیب بن هلال بن اوس بن سعید بن سنان بن عبدالدار بن الریان بن قُطَربن زیاد بن الحارث بن مالک بن رَبِیعَة بن کَعْب بن الحارث بن کعب... بن یَعْرُب بن قَحْطان^۲.

بدین سان وی از اعراب اصیل قحطانی واز طائفه حارث بن مالک و نیز از قبیله حارث بن کَعْب بوده وبه یکی از این دو جهت لقب حارثی یافته است^۳. به احتمال زیاد، علت این امر انتساب به قبیله حارث بن کعب می باشد، قَلَقَشْتَدی مؤلف نهایة الآرب و ابن اثیر مؤلف لباب، در ضمن بر شمردن قبیله هائی که بتوالحارث خوانده می شوند از قبیله حارث بن کعب نام می برند ولی سخنی از حارث بن مالک به میان نمی آورند^۴.

این دو دانشمند نسب شناس، قبیله بنو زیاد را که فرزند حارث بن مالک می باشد، بطنی از قبیله حارث بن کعب معرفی می کنند^۵.

نیای پنجم شیخ مفید سعید بن جبیر نام دارد برخی پنداشته اند که وی همان سعید بن جبیر تابعی، دانشمند آزاده و مجاهد بی امان بوده است، این پندار به دلائل زیر قطعاً نادرست است:

دلیل اول: جد سعید بن جبیر تابعی، هشام است^۶ در حالی که جد سعید بن جبیر واقع در نسب مفید، وهیب می باشد.

.....
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- ۲- رجال نجاشی، انتشارات اسلامی، قم ۱۴۰۷، رقم ۱۰۶۷.
- ۳- امالی مفید، انتشارات اسلامی قم، تحقیق حسین استاد ولی وعلی اکبر غفاری، ۱۴۰۳، اول مجلس ۲۳. بشارة المصطفی، مکتبه حیدریه، نجف، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۱۴. معالم العلماء، الف - مطبعة فردین، تهران ۱۳۵۳ ق/ ص ۱۰۰ ب - مطبعة حیدریه، نجف، ۱۳۸۰/ ص ۱۱۲.
- ۴- نهایة الآرب، قلقشندی، مطبعة نجاح، بغداد ۱۳۷۸، رقم ۸۷. لباب ابن اثیر، دار صادر، بیروت، ج ۱ ص ۳۲۸ و مقایسه کنید با انساب سنعانی، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۴، ج ۴ ص ۸.
- ۵- نهایة الإرب رقم ۹۷۶. لباب ج ۲ ص ۸۵.
- ۶- ترجمه سعید بن جبیر در منابع بسیاری آمده است از جمله: طبقات ابن سعد مکتبه مؤتقی، بغداد، افست از چاپ بریل لیدن ۱۳۲۵ ق/ ج ۶ ص ۱۷۸. تاریخ کبیر بخاری، حیدرآباد دکن، ۱۳۶۴ ق/ ج ۳ ص ۴۶۱. جرح و تعدیل ابن ابی حاتم رازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۳۷۲، افست از چاپ حیدرآباد دکن هند ج ۴ ص ۹. التنبیه و الاشراف مسعودی، دارالصاوی، قاهره، ۱۳۵۷، آخر ص ۲۷۴. برخی دیگران از مصادر ترجمه وی را در اعلام زرکنی، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۴ م/ ج ۳ ص ۹۳ ببینید.

دلیل دوم: شیخ مفید، عرب اصیل بوده در حالی که سعیدبن جبیر تابعی، از نژاد عرب نبوده است، عرب نبودن سعیدبن جبیر از قرائن گوناگون بدست می آید:

از جمله: ترجمه نگاران، سعیدبن جبیر تابعی را از موالی بنی وائیه — که از شعب قبیله بنی اسد بوده — ذکر کرده اند، هر چند کلمه 'مولی' هنگامی که به قبیله خاصی اضافه شود، دلیل عرب نبودن نیست بلکه تنها انتساب نسبی شخصی را به آن قبیله خاص نفی می کند و می رساند که پیوند وی بدان قبیله از طریق ولاء بوده است و ممکن است چنین شخصی از افراد اصیل قبیله دیگری از عرب باشد، لیکن اگر ابن جبیر از قبیله دیگری از عرب بود، شرح حال نویسان نسبش را ذکر کرده، به کلمه 'مولی' بنی وائیه اکتفاء نمی کردند.^{۹۴۸}

دلیل سوم: ملاحظه عصر شیخ مفید و سعیدبن جبیر تابعی، سعیدبن جبیر در سال ۹۵ یا ۹۴ در سن ۴۹ سالگی به شهادت رسید. بنابراین وی در حدود سال ۴۶ زاده شده است، شیخ مفید در سال ۳۳۶ یعنی حدود ۲۹۰ سال پس از ولادت وی متولد شده است و طبق قاعده نسب شناسان که در هر قرن معمولاً سه نسل زندگی می کنند باید بین شیخ مفید و سعیدبن جبیر تابعی ۷ یا ۸ واسطه وجود داشته باشد در حالی که شیخ مفید با ۵ واسطه به سعیدبن جبیر می رسد ولی از آنجا که این قاعده بویژه در فاصله زمانی کم، مانند دو قرن و سه قرن چندان قطعی نیست، این مطلب تنها یک استبعاد به شمار می آید و تأییدی خواهد بود بر تغایر این دو، ولی می توان با تقریبی دیگر این استدلال را تکمیل نمود به عنوان مقدمه می گوئیم که در عبارت نجاشی در نسب مفید اشتباهاتی رخ داده است، نسب مفید پس از سینان باید چنین باشد: عبدالممدان بن الدیان بن قطن بن زیاد ... در پاره ای از قسمتهای دیگر نسب مفید نیز اشتباهاتی دیگر رخ داده که تفصیل آن را به فرصتی دیگر

.....

۷- از شواهد اجتماع مولویت و عربیت آن است که زیدبن حارثه و نوزبان مولی رسول الله بوده اند در حالی که اولی از قبیله کلب و دومی از قبیله حمیر و هر دو از اعراب اصیل یعنی بوده اند (مقایسه کنید با قاموس الرجال، مرکز نشر کتاب، تهران، ۱۳۷۹ ج ۱ فصل اول مقدمه) توضیح کامل اصطلاح 'مولی' نیازمند نگارش مقاله مستقلی است، تنها در اینجا اشاره می کنیم که به هر حال کلمه 'مولی' مرادف ایرانی نیست چنانچه بسیاری پنداشته اند بلکه حداکثر مطلبی که می توان قائل شد آن است که 'مولی' غیر عربی است، خواه ایرانی باشد خواه نباشد.

۸- به تعبیر فقی دلالیت کلمه 'مولی' بر نفی عربیت به اطلاق مقامی و سکوتی است نه به مدلول لفظی، اطلاق مقامی در امثال مقام در شرایط خاصی تحقق می پذیرد که بر اهل تأمل پوشیده نیست.

۹- دو قریبه دیگر را در طبقات ابن سعد ج ۶/۱۷۸ و معارف ابن قتیبه، مطبعه دارالکتب، ۱۳۷۹ ق، ص ۴۴۶ می بینید.

موکول می‌نمائیم.

عبدالمَدَّان فرزندی داشته است به نام عبدالله که از صحابهٔ پیامبر بوده و در سال دهم با گروهی از بنو حارث بن کعب از جمله برادرش یزید بر پیامبر وارد شده‌اند، داستان این ملاقات در کتب تاریخی و رجالی مذکور است^{۱۱} گویند که وی تا زمان خلافت علی (ع) زنده بوده و بُسْرین اَبی اَرْطَاة در حمله به یمن از سوی معاویه وی را کشت^{۱۱}.

حال به بحث قبلی خود بازمی‌گردیم با توجه به صحابی بودن برادر سنان بن عبدالمَدَّان و شهادت وی در سال ۴۰ هجری دیگر نمی‌تواند سنّ سنان از سنّ پیامبر بیشتر باشد، حال فرض می‌کنیم سنان با پیامبر هم سن بوده است، بنابراین بین ولادت وی و ولادت سعید بن جبیر در سال ۴۶ هجری تنها ۹۹ سال فاصله خواهد بود و چون سنان پشت ششم سعید می‌باشد بنابراین می‌بایست تمامی پدران سعید بن جبیر در کمتر از ۱۷ سالگی پسر دار شده باشند فرزند دار شدن در این سن به تنهایی چندان بعید نیست ولی تکرار آن در دو یا سه نسل بسیار بعید بوده و تحقق آن در ۶ نسل پی در پی شبیه به محال عادی است.

به دیگر بیان بنا بر فرض اتحاد تولّد سعید بن جبیر تنها ۶ سال پس از وفات عموی پدر جدّ جدش بوده است و این با امر محال فاصله‌ای ندارد.

از راه‌های دیگر نیز می‌توان بر تأخر عصر شیخ مفید از سعید بن جبیر تابعی استدلال کرد که ذکر آن در اینجا ملال‌افزا است^{۱۲}.

گفتهٔ ابن قُتَيْبَةَ در ترجمه سعید بن جبیر مفسر معروف آخرین نکته‌ای است که به عنوان مؤید بر دلائل فوق می‌افزاییم، وی می‌نویسد:

«له ابنان عبدالله بن سعید و عبدالملک بن سعید يُروى عنهما»^{۱۳}.

۱۰ - طبقات ابن سعد ج ۱ قسمت دوم ص ۷۲. سیرة النبی لابن هشام، مکتبهٔ مصطفی محمد، قاهره، ۱۳۵۶ق/ج ۴ ص ۱۶۴. تاریخ طبری و کامل ابن اثیر... وقایع سال ۱۰ هجری. اصابه، دارصادر، بیروت ۱۳۲۸ ج ۲ ص ۳۳۸، ج ۳/۶۶۰. استیعاب، (هامش اصابه ج ۳/۳۴۱، ج ۳/۶۵۷) اشد الغابه، اسماعیلیان، تهران، ج ۳/۲۰۰، ج ۵/۱۱۷ و مصادر دیگر.

۱۱ - تاریخ طبری، کامل ابن اثیر وقایع سال ۴۰ هجری.

۱۲ - بنگرید فرق الشیعة نویختی، مکتبه مرتضویه، نجف، ۱۳۵۵ هـ ق/۴۹. مقالات و فرق، سعید بن عبدالله، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۴۱/۶۶-التبیه والاشراف/۲۹۲. در باره مادر ابوالعباس سفاح: ریطة بنت عبدالله بن عبدالمَدَّان بن الذّیان الخ و نیز تاریخ بغداد ج ۴/۱۰۶، ۱۰۷.

۱۳ - معارف ص ۴۴۶.

از این عبارت برمی آید که پسران سعید منحصر در این دو است و وی را پسری دیگر به نام نعمان بن سعید - نیای چهارم شیخ مفید - نیست.

ولادت شیخ مفید

ابن ندیم و شیخ طوسی در کتابهای فهرست خود ولادت شیخ مفید را به سال ۳۳۸ دانسته اند، ابن شهر آشوب نیز از شیخ پیروی نموده است^{۱۴}. ولی ابوالعباس نجاشی در کتاب رجال خود بر این رأی است که مفید به روز ۱۱ ذیقعد سال ۳۳۶ از مادرزاده شد و در پایان ترجمه مفید با کلمه قیل به قول اول اشاره کرده است.

حال کدامیک از دو قول بالا صحیح است از جهاتی چند به نظر می آید که کلام نجاشی صحیح باشد، ویژگیهای ممتاز نجاشی که بزرگان رجال آن را مایه تقدّم کلام نجاشی بر کلام شیخ دانسته اند، مانند چیره دستی وی در رجال، و توجه و عنایت اختصاصی وی به این علم و آگاهی خاص وی از انساب عرب و تأخر کتاب وی از فهرست شیخ... در این بحث نیز، عواملی در ترجیح کلام وی به شمار می روند^{۱۵} نجاشی در بسیاری از مواضع کتاب خود به کلام شیخ نظر داشته و در صدد تصحیح آن بوده است، توجه به این امر در فهم برخی از عبارات مبهم نجاشی سودمند است^{۱۶} باری در موضوع مورد بحث نیز نجاشی با توجه به قول دیگر و اشاره بدان، آن را نپذیرفته و تاریخ دیگری برای ولادت مفید ذکر کرده است.

دقت وی در تعیین روز و ماه ولادت شیخ مفید، خود از توجه ویژه وی به این موضوع حکایت می کند و عامل دیگری در قوت گرفتن کلام وی می باشد.

از سوی دیگر نجاشی خود در حوزه بغداد بزرگ شده و پدر و جدش نیز در این شهر بوده اند^{۱۷}.

.....
۱۴ - فهرست ندیم تصحیح رضا تجدد، تهران، ۱۳۹۳/۲۴۶. فهرست طوسی، مکتبه مرتضویه، نجف، ۱۳۵۶ ق رقم ۶۹۶. معالم العلماء، نجف/ ۱۱۲، طهران/ ۱۰۰.

۱۵ - رجال السيد بحر العلوم مکتبه العلمین الطوسی و بحر العلوم نجف، ج ۲ ص ۴۶ تا ۵۰.

۱۶ - از جمله در ترجمه علی بن ابی رافع (بنگرید رجال نجاشی آخر رقم ۱، اول رقم ۲).

۱۷ - شیخ طوسی در رجال و ابن حجر در لسان المیزان جد ابوالعباس نجاشی را ترجمه کرده اند

ابن حجر گوید: احمد بن العباس بن محمد بن عبدالله الاسدی ابو یعقوب الطیالسی يعرف بابن الصیرفی. قال ابن الفجاریکان من شیوخ الشیعة... ويقال له النجاشی، حدث عن علی بن ابراهیم بن علی العلوی...
←

وی متولد سال ۳۷۲ بوده^{۱۸} و بیش از ۴۰ سال از عمر مفید را درک کرده است، او نسب مفید را تا یعرب بن قحطان ذکر کرده که خود نشانگر آگاهی خاص وی از خاندان مفید است، بنابراین کاملاً طبیعی است که بیشتر از شیخ طوسی (که تنها پنج سال آخر عمر مفید را در بغداد بوده) از حالات مفید آگاه باشد.

برخی از محققان رجال اشاره کرده اند که اشتباه ناشی از پیروی وی از ابن ندیم می باشد، ندیم - دست کم - در شرح حال علماء شیعی دچار خبط و اشتباهات بسیار گردیده است. و از این رهگذر خطاهائی به فهرست شیخ راه یافته که تفصیل آن طولانی شدن این نوشتار را سبب می گردد^{۱۹}.

شیخ طوسی هر چند از شاگردان خاص مفید بوده است لیکن دقت در تعبیر فهرست شیخ و ابن ندیم و تأمل در شباهتهای آن دو، روشن می کند که وی در این ترجمه ضرورتی ندیده که عبارتی نو درباره مفید به رشته تحریر در آورد.

ندیم در دو مورد، ترجمه کوتاهی از مفید ارائه داده است یکی در ضمن متکلمان شیعه با این عبارت:

.....

(السان المیزان، موسسة لاعلمی، بیروت، ۱۳۹۰/ج ۱ ص ۱۹۲ شیخ طوسی از وی با نام احمد بن العباس النجاشی الصیرفی المعروف بابن الطیالسی یاد می کند، و می نویسد که منزل وی در درب البقر (۵) واقع بود، (رجال شیخ، مطبعه حیدریه، نجف اشرف، ۱۳۸۱/ص ۴۴۶) شیخ طوسی و ابن حجر هر دو به روایت هارون بن موسی تلکبری (محدث بزرگ بغداد) از وی، تصریح می کنند.

پدر نجاشی از صدوق در بغداد حدیث شنیده است (نجاشی رقم ۱۰۴۹)، نجاشی مولود در سال ۳۷۲، خود در منزل هارون بن موسی تلکبری به همراه فرزند وی ابو جعفر [محمد ظ] حاضر می شده است (رجال نجاشی رقم ۱۱۸۴)، وی از شیوخ بزرگ بغدادی چون ابوالفضل شیبانی (م ۳۸۷)، و ابوالحسن بن جندی (م ۳۹۶)، ... حدیث شنیده است، (رجال نجاشی رقم ۱۰۵۹، ۲۰۶، تاریخ بغداد از خطیب بغدادی، دارالکتب العربی، بیروت، ج ۷۷/۵، ۴۶۸)، و در نزد محمد بن جعفر نحوی تمیمی معروف به ابن نجسار (م ۴۰۲)، ظاهراً در بغداد شاگردی کرده است (تاریخ بغداد، ج ۲/ ۱۵۸) نجاشی در مسجد لؤلؤی که مسجد نفظویه بوده در نزد صاحب مسجد قرآن می خوانده است (نجاشی رقم ۱۰۲۶) ابراهیم بن محمد واسطی معروف به نفظویه سالها در بغداد ساکن بوده، و پنجاه سال در مسجد جامع شهر درس قرآن می داده است (معجم الادباء، طبعه مرجلیوث، مصر، ۱۹۰۷ م تا ۱۹۲۵ ج ۱/ ۲۵۶) بنابراین بدون تردید نجاشی از کودکی در حوزه بغداد پرورش یافته است.

۱۸ - تحقیق در این موضوع را در مقاله ابوالعباس نجاشی و عصر وی، نور علم دوره اول شماره ۱۱، ۱۲ بنگرید.

۱۹ - از جمله در باره ابن جمابی، چنانچه اشاره خواهد شد (رک قاموس الرجال ج ۱/ ۳۷).

ابن المعلم ابو عبدالله... فی عصرنا انتهت ریاسة متکلمی الشیعة الیه، مقدّم فی صنّاعة الکلام علی مذهب اصحابه، دقیقُ الفطنة، ماضی الخاطر، شاهدته فرأیته بارعاً، له من الکتب... ۲۰

وبار دیگر در عداد فقهاء شیعه با این تعبیر:

ابن المعلم ابو عبدالله محمّد بن محمّد بن النعمان، فی زماننا الیه انتهت ریاسة اصحابه من الشیعة الامامية فی الفقه والکلام والآثار، ومولده سنة ثمان وثلاثین وثلاثائة وله من الکتب... ۲۱

شیخ در فهرست در ترجمه مفید چنین آورده است:

محمد بن محمد بن النعمان [المفید] یکتی اباعبدالله، من جملة متکلمی الامامية إنتهت ریاسة الامامية فی وقته الیه فی العلم وكان مقدماً فی صنّاعة الکلام وكان فقیهاً متقدماً فیهِ، حَسَن الخاطر، دقیق الفطنة، حاضر الجواب، وله قریب من مِئتی مصنف کبار وصغار وفهرست کتبه معروف ولد سنة ثمان وثلاثین وثلاثائة... ۲۲

گویا شیخ طوسی با عنایت به هر دو عبارت ابن ندیم و توجه به تغییراتی که باید در آنها داد، این چند سطر را در ترجمه مفید ذکر کرده است، حتی کلمه «المفید» که در نسخه چاپی فهرست آمده در نسخه معتبری از کتاب — که وصف آن گذشت و عبارت بالا از آن نقل شده — دیده نمی شود با توجه به آنچه گذشت به اطمینان می توانیم ولادت شیخ مفید را در ۱۱ دیقعه سال ۳۳۶ بدانیم.

اولین اساتید شیخ مفید

وی از هنگامی که هنوز سالهای چندی از عمرش نگذشته بود به تحصیل علم پرداخت و در مجلس دانشمندان بزرگ در کلام و فقه و حدیث شرکت جست، از اولین مراحل تعلیمی مفید اطلاعی در دست نداریم آنچه از لابلائی کتابها بدست آورده ایم بدین گونه است:

.....

۲۰ — فهرست ابن ندیم ص ۲۲۶.

۲۱ — فهرست ابن ندیم ص ۲۴۶ البته عبارت ابن ندیم در نسخه چاپی ناقص بوده و به جای آن نقطه چنین نهاده اند و ما از عبارت ابن ندیم مطلبی را حذف نکرده ایم.

۲۲ — فهرست شیخ، رقم ۶۹۴، حضرت والد نسخه خود را با نسخه ای که با دو واسطه از روی نسخه ای که خط مصنف بر آن است مقابله نموده و ما این عبارت را از این نسخه نقل می کنیم.

اولین استاد مفید در کلام

الف - ابن ادریس در مُسْتَطْرَفَات سرائر می نویسد: شیخ مفید از اهالی عُکْبَرِی از مکانی معروف به سُویْقَه ابن بصری بود، وی همراه پدر به بغداد آمد و فراگیری علم را نزد ابوعبدالله معروف به جُعَل در محله دَرْبِ رِیَاح آغاز کرد، سپس در نزد ابویاسر شاگرد ابوالجیش در باب خراسان به علم آموزی پرداخت، سپس ماجرای بحث کلامی مفید را با علی بن عیسی نحوی (معروف به رُمّانی) نقل می کند که در ضمن آن علی بن عیسی وی را به لقب مفید ملقّب می نماید^{۲۳}.

ابوعبدالله معروف به جُعَل، حسین بن علی بصری (۲۹۳ - ۳۶۹) نام داشته و از شیوخ بزرگ معتزله در عصر خویش بوده و در فقه و کلام سرآمد و این دو را تدریس می نموده است^{۲۴}.

ظاهراً شیخ مفید نزد وی کلام و احتمالاً فقه نیز می آموخته است^{۲۵}. نقل ماجرائی که در سرائر آمده نیز بر کلام آموزی مفید در نزد وی اشعار دارد، او همانست که شیخ مفید دو کتاب از کتابهای او را در مسئله مُثَعَمَه و مسئله برتری ملائکه (از پیامبران ظ) پاسخ گفت^{۲۶} ولی نجاشی در ترجمه طاهر شاگرد ابوالجیش می نویسد:

وی متکلم بود و آغاز فراگیری شیخ ما ابوعبدالله (یعنی شیخ مفید) بروی بود^{۲۷}.
شاید طاهر اسم همان ابویاسر باشد که در عبارت سرائر آمده است.

برای حل ناسازگاری کلام ابن ادریس و عبارت نجاشی می توان عبارت نجاشی را بر ابتدای اضافی و نسبی حمل کرد، توضیح اینکه شیخ مفید نزد ابوالجیش بَلْخِی مُظَفَّر بن محمّد متکلم نامدار نیز درس خوانده و از محضرو وی علم آموخته است^{۲۸} گویا مراد

.....

۲۳. النوادر او مستطرفات السرائر، مدرسة الامام المهدي، قم ۱۶۰۸/۱۶۱-۱۶۲، عبارت فوق از نسخه بسیار معتبری از سرائر حکایت شده است، این نسخه به تاریخ ۶۰۳ (پنج سال پس از وفات ابن ادریس) نوشته شده و در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود.

۲۴ - تاریخ بغداد ج ۸/۷۳.

۲۵ - ممکن است از عبارت نجاشی در ترجمه ابن قولویه برآید که وی تنها استاد مفید در فقه بوده در باره این عبارت پس از این بحث خواهیم کرد.

۲۶ - رجال نجاشی رقم ۱۰۶۷.

۲۷ - رجال نجاشی رقم ۵۵۲.

۲۸ - رجال نجاشی رقم ۱۰۵۷.

نجاشی این است که مفید ابتداء نزد طاهر کلام آموخت و سپس در درس استاد طاهر یعنی ابوالجیش شرکت جست. از کلام علامه طهرانی در نوابغ الرواة نیز می‌توان به این وجه جمع دست یافت ۲۹.

بنابراین می‌توان گفت که اولین استاد شیخ مفید - دست کم در کلام - ابوعبدالله حسین بن علی بصری معروف به جُعَل بوده است.

در پنج سالگی

ب - با جستجو در اسناد روایات شیخ مفید می‌توان به برخی از اساتید اولیه وی در حدیث پی برد در اوائل جزء ششم امالی شیخ، حدیثی با این سند روایت شده است: أخبرنا محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن جعفر التیمی (السلمی) [اجازة] قال حدثنا ابوعبدالله الحسين بن حَكَم الكِنْدِي قال حدثنا اسماعيل بن صبيح الشُّكْرِي... ۳۰

مراد از محمد بن محمد در کلام شیخ طوسی شیخ مفید است.

حسین بن حَكَم نیز در این سند حسین بن حکم جَبْرِي است که از اسماعیل بن صَبیح روایت می‌کند ۳۱.

زید بن محمد بن جعفر، ابوالحسین زید بن محمد بن جعفر بن مبارک معروف به ابن ابی الیابس بوده که در تاریخ بغداد ج ۸/۴۴۹ ترجمه شده است خطیب بغدادی در ترجمه وی تصریح می‌کند که وی از حسین بن حکم جَبْرِي روایت می‌کند ۳۲، خطیب روز وفات وی را ۲۵ ذیقعدة سال ۳۴۱ ذکر کرده است.

شیخ مفید در هنگام وفات وی تنها ۵ سال داشته است و چنانچه دیدید از وی به طریق اجازة، روایت می‌کند در زمانهای سابق به کودکان نیز اجازة روایت می‌داده‌اند چنانچه ابوغالب زُرَّاری در سال ۳۵۶ به نوه چهارساله خود (متولد در ۳۵۲) اجازة روایت

.....

۲۹ - طبقات اعلام الشیعة، نوابغ الرواة فی رابعة المئات، دارالکتب العربی، بیروت ۱۳۹۰/ص ۱۴۱.

۳۰ - عبارت فوق از نسخه معتبری از امالی شیخ به تاریخ شوال ۵۸۰ نقل شده است این نسخه به شماره ۱۱۶۰ در کتابخانه ملک تهران نگاهداری می‌شود (بنگربید فهرست کتب خطی کتابخانه ملک، تهران ۱۳۶۱/ش/ص ۴۷)

۳۱ - بنگربید تفسیر الجبیری تحقیق سید محمدرضا حسینی، مؤسسه آل البیت بیروت، ۱۴۰۸، رقم ۳۹۰، ۵۷، ۵۹.

۳۲ - همچین ببینید رجاء نجاشی آخر رقم ۱.

داده است ۳۳.

البته باید اشاره نماییم که اجازه به کودکان یا به جهت ارتباطی که شیخ اجازه با کودک داشته مثلاً پدر یا عمویا جد وی بوده، صورت می‌گرفته و یا یکی از خویشاوندان کودک که با شیخ اجازه در ارتباط بوده از وی طلبیده است ۳۴.

اجازه ابن ابی الیاس به شیخ مفید نشانگر یکی از این دو حالت است و بعید نیست که پدر وی که به شغل معلمی در واسط اشتغال داشته^{۳۵} و مفید را بدین خاطر ابن المعلم می‌خوانند - با ابن ابی الیاس در ارتباط بوده و از وی برای فرزند خود اجازه خواسته است.

در ده سالگی

ج - از تواریخ موجود در امالی می‌توان چند تن از استاد های شیخ مفید در حدیث را شناخت اولین تاریخ، محرم سال ۳۴۷ (سبع وربعین و ثلاثه) است که در آن هنگام شیخ مفید در جامع منصور از ابوالطیب حسین بن محمد التمار (حسین بن علی بن محمد التمار) اخذ حدیث کرده است ۳۶.

مصحح کتاب امالی در حاشیه نگاشته است: «گویا در این سند تعلیق رخ داده یا در ابتداء آن سقطی واقع شده است زیرا مفید در آخر سال ۳۳۶ زاده شده و در این هنگام ده سال داشته است تحمل حدیث در این سن غریب است هر چند در مورد کسی چون شیخ دور نیست»^{۳۷}

ولی این احتمالات هر دو نادرست است (بویژه احتمال تعلیق که در هیچ جای

.....

۳۳ - رساله ابوغالب زراری، مطبعة ربانی، اصفهان ۱۳۹۹/ ص ۴۱، ۴۲ و ۴۵.

۳۴ - بنگرید رجال شیخ، مطبعة حیدریه، نجف اشرف، (۱۳۸) ۵۰۱. رجال نجاشی، رقم ۱۶۳. و از این قسم اخیر ظاهراً اجازه ابن مئینه، استاد شهید اول به فاطمه دختر شهید مشهور به سِت المَشاخِخ می‌باشد.

۳۵ - لسان المیزان، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۳۹۰/ ج ۵ ص ۳۶۸.

۳۶ - امالی مفید ص ۹۶، ترجمه ابوالطیب را در تاریخ بغداد ج ۸/ ۷۸ ببینید.

۳۷ - تعلیق در اصطلاح درایه به حذف ابتداء سند گفته می‌شود تعلیق به شکل های گوناگون صورت می‌گیرد گاه به انکاء سند سابق، ابتداء سند بعدی حذف می‌شود مانند تعلیقهای مرسوم در کافی و گاه به انکاء مشیخه ذکر شده در آخر کتاب و یا فهرست مستقل، تعلیق صورت می‌گیرد مانند تعلیق در فقیه و تهذیب و استبصار و گاه مؤلف تنها به ذکر نام کسی که مطلب را از کتاب وی اخذ کرده اکتفاء می‌کند بدون اینکه طریق خود را به

امالی مفید دیده نشده است) زیرا در امالی شیخ طوسی بیش از ۲۵ مورد روایت بی واسطه شیخ مفید از ابوالطیب دیده نمی‌شود^{۳۸} و بارها در امالی مفید از وی روایت شده است و به هیچ مورد روایت با واسطه مفید از وی برنخوردم.

آری احتمال اینکه کلمه «سَبَّح» در عبارت امالی تصحیف «تَبَّح» باشد وجود دارد از سوی دیگر پیش‌تر دیدیم و پس از این نیز خواهیم دید که مفید از کسانی که قبل از این تاریخ وفات کرده‌اند و یا اندکی پس از این تاریخ در گذشته‌اند، روایت می‌کند. روایت در سنین کودکی هم چندان غریب نیست ابوالمفضل شیبانی اولین سماع خود را به سال ۳۰۶ در سن ۹ سالگی ذکر می‌کند^{۳۹} ابوالحسن بن جندی احمد بن محمد بن عمران در سال ۳۰۵ یا پس از آن متولد شده و اولین سماع وی در سال ۳۱۳ بوده است بنابراین وی در این هنگام حداکثر ۸ سال داشته است^{۴۰}.

در دوازده سالگی

د - شیخ مفید در دو جا از امالی از ابوالحسن علی بن محمد بن زبیر کوفی قرشی به طریق اجازه روایت می‌کند^{۴۱}.

ابن زبیر قرشی از معمران و از راویان علی بن الحسن بن فضال بوده است^{۴۲} وی در روز دهم ذی‌قعدة سال ۳۴۸ در سن ۹۴ سالگی در گذشت^{۴۳} مفید در این هنگام ۱۲ ساله بوده است.

.....پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



کتاب، در آخر آن و یا در تألیف مستقلی ذکر کند در اینجا باید توجه داشت که در هنگام تعلیق نمی‌توان کلمه «حَدَّثَنِي» یا «أَخْبَرَنِي» و مانند آن را که دلالت بر روایت بی واسطه می‌کند به کار برد بنابراین در عبارت امالی که کلمه «حدَّثنا» به کار رفته نمی‌تواند تعلیق ریخ داده باشد مگر اینکه گویند اشتباه کرده یا تعمّد خلاف داشته باشد.

۳۸ - امالی شیخ، اول کتاب جزء اول، دوم، چهارم، پنجم، ششم.

۳۹ - تاریخ بغداد ج ۵/ ۴۶۸.

۴۰ - تاریخ بغداد ج ۵/ ۷۷.

۴۱ - امالی مفید ۲، ۳.

۴۲ - مراد از علی بن محمد قرشی که مفید به وسیله وی از علی بن الحسن بن فضال روایت می‌کند ظاهراً همین ابن زبیر قرشی است (بنگرید امالی مفید/ ۱۷، ۳۱ و نیز/ ۸۸ و مقایسه کنید با نوائغ الرواة ص ۲۰۳، ۲۰۵).

۴۳ - تاریخ بغداد ج ۱۲/ ۸۱، رجال شیخ/ ۴۸۰، فهرست نجاشی اواسط رقم ۷.

هـ - شیخ مفید در مواضع دیگری تصریح می‌کند که از ابوعلی احمد بن محمد [بن جعفر] صَوَلی در مسجد بُرَاتنا در سال ۳۵۲^{۱۱} و از علی بن بلال مُهَلَبی^{۱۵} و قاضی ابن جَعابی^{۱۶} (متوفی ۳۵۵) هر دو در شعبان ۳۵۳ حدیث شنیده است. مفید در این تواریخ حدود ۱۶ سال داشته است.

شیخ صدوق

و - از مشایخ دیگر شیخ مفید: محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه معروف به شیخ صدوق است، صدوق در برخی از کتابهای خود تصریح می‌کند که در سال ۳۵۲ در مدینه السلام (= بغداد) از برخی از محدثین اخذ حدیث کرده است^{۴۷}.

از طرف دیگر نجاشی در ترجمه صدوق می‌نویسد: «... وجه الطائفة بخراسان، كان وَرَدَ بغداد سنة خمس وخمسين وثلاثمائة وَسَمِعَ منه شیوخ الطائفة وَهُوَ حَدَّثُ السن»^{۴۸}.

با توجه به این دو کلام برخی گفته‌اند که صدوق دو بار به بغداد وارد شده است و چون وی در حدود سال ۳۵۴ به مکه رفته است برخی به جزم یا به احتمال گفته‌اند که وی در بازگشت از مکه وارد بغداد شده است^{۴۹}.

ولی محقق تَسْتَری می‌فرماید: ننوشته‌اند که صدوق دو بار به بغداد وارد شده و

.....

۴۴ - امالی مفید ص ۱۶۵. ولی شیخ طوسی در فهرست (رقم ۸۵) تاریخ قُدومِ ابوعلی صَوَلی را به بغداد در سال ۳۵۳ دانسته است؛ خطیب در تاریخ بغداد ج ۴/۴۰۸ وی را ترجمه کرده می‌نویسد: در آخر عمر در اهواز ساکن شد و گمان دارم که در آنجا در گذشت.

۴۵ - امالی مفید ص ۱۰۱. وی ابوالحسن علی بن بلال بن معاویه بن احمد مهَلَبی از دی شیخ طائفة امامیه در بصره بوده (نجاشی رقم ۱۳۶، ۶۹۰)، ابن حاشرواین نوح نیز از وی روایت می‌کنند.

۴۶ - امالی مفید آخر ۴۶، قاضی ابن جَعابی ابوبکر محمد بن عمر بن محمد تسمی از حُفَاطِ نادر روزگار و شاگرد ابن عُقْدَه حافظ نامی (۳۳۲ م) بوده است (رجال نجاشی رقم ۱۰۵۵. تاریخ بغداد ج ۳/۲۶. فهرست شیخ رقم ۶۴۱ و مقایسه کنید با فهرست شیخ رقم ۴۹۴. فهرست ابن ندیم ص ۲۴۷).

۴۷ - عیون اخبار الرضا، ج ۱، باب ۶، ح ۲۹.

۴۸ - رجال نجاشی، رقم ۱۰۴۹.

۴۹ - مقدمه معانی الاخبار، عبدالرحیم ربانی شیرازی، مکتبه صدوق، تهران، ۱۳۷۹/ص ۲۲. مقدمه کتاب من لایحضره الفقیه، سید حسن موسوی خراسان، دارالکتب الاسلامیه، نجف، ۱۳۷۷/صفحه «ص».

ظاهر تعبیر نجاشی این است که صدوق در سال ۳۵۵ برای اولین بار به بغداد وارد شده است، بنابراین نجاشی اشتباه کرده است.^{۵۰}

با توجه به این کلام، چون صدوق در سال ۳۵۴ در کوفه بوده و در همین سال در بازگشت از سفر حج در «فَیْد» و «همدان» بوده و ظاهراً وی ساکن بغداد نبوده همچنانکه از کلام نجاشی برمی آید^{۵۱} بنابراین روایت مفید از صدوق باید پیش از سال ۳۵۴ رخ داده باشد مفید در این تاریخ بیش از ۱۸ سال نداشته است.

البته اینها همه مبنی بر پذیرش کلام محقق تستری است ولی پذیرش کلام ایشان مشکل است زیرا از عبارت نجاشی تنها برمی آید که سال ۳۵۵ اولین سالی است که صدوق به بغداد آمده در حالی که مشایخ طائفه از وی اخذ حدیث کرده اند، و از آن استفاده نمی شود که قبل از آن اصلاً سفری به بغداد نکرده است، آری اگر سفری نموده باشد در آن سفر بزرگان شیعه از وی اخذ حدیث نکرده اند. اما این استدلال که «چون دوبار ورود صدوق به بغداد را نوشته اند پس این مطلب نادرست است» صحیح به نظر نمی رسد زیرا در اصول رجالی شیعی، بنا بر اجمال و اشاره بوده، به تفصیل شرح حال شخصیات نمی پردازند زیرا موضوع این کتابها چیز دیگری است در مورد شیخ صدوق نیز شیخ طوسی و ابوالحسین نجاشی تنها در سه سطر فضل وافر و مقام علمی منیع وی را ستوده اند و سپس به تفصیل کتب وی را - که موضوع کتاب آنهاست - نام برده اند ترجمه صدوق در رجال شیخ از این هم موجزتر است در هیچ یک از این کتابها از سفرهای صدوق به مشهد، نیشابور، استرآباد، جرجان، مَرورود، مگه، کوفه، فَیْد، همدان، دیار ماوراءالنهر، بلخ، سَرخس، ایلاق، سمرقند، فُرغانه گزارشی به دست نداده اند و تنها از لابلای کتب صدوق به این مسافرتها پی برده اند.^{۵۲}

ذکر ورود صدوق به بغداد در رجال نجاشی هم در ظاهر مقدمه ذکر این فضیلت استثنائی بوده که در حالی که وی سنی به نسبت کم داشت شیوخ طائفه از وی حدیث

.....

۵۰ - قاموس الرجال ج ۸/ ۲۸۶.

۵۱ - خصوصاً با توجه به کلمه «كَأَنَّ وَرَدَ»، البته خطیب بغدادی در ترجمه صدوق در تاریخ بغداد ج ۳/ ۸۹ می نویسد: «نَزَلَ بِغَدَادٍ وَحَدَّثَ بِهَا عَنْ أَبِيهِ»، ظاهر کلمه «نَزَلَ» اقامت لا اقل طولانی را در بغداد می رساند ولی از این مطلب در کتابهای شیعی اثری دیده نمی شود.

۵۲ - مقدمه معانی الاخبار/ ۲۰ تا ۲۵. مقدمه فقیه، از صفحه «س» تا «ق».

شنیدند^{۵۳} از این گذشته اگر بنا بر تخطئه نجاشی باشد چرا اصل ورود صدوق به بغداد در سال ۳۵۵ تخطئه می‌گردد و اینکه این سفر اولین سفر صدوق به بغداد بوده مسلم پنداشته می‌شود ممکن است بگوئیم که صدوق در سال ۳۵۲ به بغداد آمده و نجاشی از آن سفر بی‌خبر بوده است و بار دیگری که به سال ۳۵۵ به بغداد وارد شده نجاشی آن را اولین سفر صدوق پنداشته است.

از مجموع آنچه گذشت درمی‌یابیم که نمی‌توان به جزم تاریخ علم آموزی مفید در نزد صدوق را تعیین نمود، ولی با توجه به اینکه مفید در حدود سال ۳۵۵ و پیش از آن که صدوق به بغداد سفر کرده در نزد بزرگان علماء، دانش می‌آموخته است نمی‌بایست تاریخ شاگردی وی در نزد صدوق از این تواریخ عقب‌تر باشد.

شریف ابومحمد حسن بن حمزه

ز - یکی دیگر از اساتید شیخ مفید: شریف ابومحمد حسن بن حمزه علوی ظیری معروف به مرعش یا مرعشی است که مفید از وی با احترام بسیار یاد می‌کند^{۵۴} نجاشی می‌نویسد که وی به بغداد قدم نهاد و شیوخ ما وی را در سال ۳۵۶ ملاقات کردند سپس کتابهای وی را نام برده، می‌نویسد که شیخ ما ابو عبدالله (یعنی شیخ مفید) و همه مشایخ ما آنها را روایت کردند^{۵۵} شیخ در فهرست نیز تاریخ ملاقات را همین سال ضبط کرده است^{۵۶} اما رجال شیخ - که پس از فهرست و قبل از رجال نجاشی تألیف شده^{۵۷} - سال

.....

۵۳ - تلغکبری از صدوق روایت می‌کند (رجال شیخ/ ۴۹۵) وی سالها از صدوق بزرگتر است زیرا از ابوعلی احمد بن ادريس اشعری متوفی سنه ۳۰۶ (حدود ولادت صدوق) احادیثی شنیده است (رجال شیخ/ ۴۴۴) ظاهراً یکی از مشایخ طائفه که در این سفر صدوق به بغداد از وی حدیث شنیده‌اند تلغکبری است، بنابراین اعتراض نگارنده به مؤلف اعلام المکاسب در این باره کاملاً بی‌جاست (ر. ک نور علم دوره دوم شماره نهم/ ۶۶ رقم ۲۸).

۵۴ - مفید از وی با کنیه و لقب شریف زاهد و یا شریف صالح نام می‌برد (امالی مفید ص ۸، ۱۲، ۲۵۳، ۳۱۷ و ۳۲۸) برای تکمیل بحث به مقاله ابوالعباس نجاشی و عصر وی، نور علم، دوره اول، شماره ۱۱، حاشیه ص ۲۳ تا ۲۴ مراجعه شود.

۵۵ - رجال نجاشی رقم ۱۵۰.

۵۶ - فهرست شیخ رقم ۱۸۴.

۵۷ - در رجال شیخ بارها به فهرست ارجاع داده شده است، نجاشی نیز از هر دو کتاب فهرست و رجال شیخ در ترجمه شیخ نام برده است.

۳۵۴ را سال سیماع و روایت شیخ مفید و دیگر مشایخ از حسن بن محمد بن حمزه دانسته است.^{۵۸}

بنابراین شیخ مفید در هنگام روایت از این محدث جلیل ۱۸ یا ۲۰ سال داشته است.

جعفر بن قولویه قمی

ح - یکی از مشایخ مهم شیخ مفید جعفر بن محمد بن قولویه دانشمند معروف و فقیه و محدث برجسته امامی (م ۳۶۹) است نجاشی در ترجمه وی می نویسد: علیه قرأ شیخنا ابو عبدالله الفقه و منه حمل... (رقم ۳۱۸)، بروی شیخ ما ابو عبدالله [مفید] فقه خواند و از وی بار علم بردوش کشید،... ظهور بدوی این عبارت این است که یگانه استاد مفید در فقه ابن قولویه بوده است. ولی ظهور این عبارت در حصر چندان قوی نیست ولی به هر حال از این کلام بر می آید که استاد عمده مفید در فقه ابن قولویه بوده است و علی القاعده می بایست وی در اوائل دوران تحصیل خود بدین امر اشتغال داشته باشد.

از سوی دیگر نمی دانیم که ابن قولویه در چه سالی در بغداد ساکن شده است تنها می دانیم که وی از محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶) عالم بزرگ بغدادی روایت می کند.^{۵۹} و از داستان خرایج راوندی در می یابیم که وی در سال ۳۳۹ به قصد سفر حج وارد بغداد شده ولی در این شهر سخت بیمار گشته است.^{۶۰} ممکن است ابن قولویه از این سال در بغداد مانده باشد.

ابن داود قمی

ط - از اساتید مهم مفید فقیه پر حافظه و توانا و محدث بزرگ ابن داود قمی (م ۳۶۸) می باشد، محمد بن احمد بن داود در قم زاده شد، پس از مرگ پدرش دایی وی سلامه بن محمد آرزنی (م ۳۳۹) او را به بغداد کوچانید وی از ابن عقیله کوفی (م ۳۳۲)

۵۸ - رجال شیخ / ۴۶۵ این عبارت از نسخ بسیار معتبری از رجال شیخ حکایت شده است و ما آن را از مصوره نسخه محمد بن سراهنگ حکایت می کنیم پایان کتابت این نسخه ۲۱ رجب ۵۳۳ می باشد.

۵۹ - کامل الزیارات، مطبعة مرتضویه، نجف، ۱۳۵۶/۱۳۲۲، ۱۳۷، ۱۷۳، ۱۸۲، ۱۸۶، و ۲۵۰. امالی مفید / ۲۹۱ و ۳۰۰.

۶۰ - به مقاله نقد و بررسی اعلام المکاسب، نور علم، دوره دوم شماره ۱۹، ص ۷۴ مراجعه شود.

که سه بار از جمله در آخر عمر به بغداد قدم نهاد^{۶۱} و احمد بن محمد بن عمار کوفی (م ۳۴۶) و از مشایخ بغدادی چون محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶) حدیث شنید^{۶۳}.

ابن داود یا سلامه در سال ۳۳۳ به شام رفت و سپس به بغداد بازگشت و در آنجا درگذشت و در مقابر قریش مدفون گردید^{۶۴} دقیقاً معلوم نیست که ابن داود در چه تاریخی در بغداد بوده است و بعید نیست که مفید در جوانی از وی اخذ حدیث کرده باشد.

بار دیگر پس از این درباره شاگردی مفید در نزد ابن قولویه و ابن داود سخن خواهیم گفت.

شیخ مفید از اساتید بی شمار دیگری اخذ حدیث نموده که تاریخ آن در دست نیست^{۶۵}.

معرفی اجمالی دانشمندان ذکر شده در مقدمه:

۱ - ابونصر فارابی: محمد بن محمد بن طرخان (۲۶۰ - ۳۳۹) فیلسوف بزرگ اسلامی ملقب به معلم ثانی، مؤلف آراء اهل مدینه فاضله و أغراض «مابعد الطبیعه» ارسطو.

۲ - ابوعلی مشکویه: احمد بن محمد بن یعقوب (قبل از ۳۳۰ - ۴۲۱) فیلسوف و مورخ، خزانه دار کتابخانه ابن عمید و عضدالدوله، مؤلف طهارة الأعراف در علم اخلاق و تجارب الامم در تاریخ.

۳ - ابوعلی سینا: حسین بن عبدالله بن سینا (۳۷۰ - ۴۲۸) فیلسوف و طبیب نامور، مؤلف شفاء و اشارات در حکمت، قانون در طب.

۴ - ابوالوفاء بُوزْجانی: محمد بن محمد بن یحیی (۳۲۸ - ۳۸۸) ریاضی دان و منجم، مؤلف تفسیر کتاب الخوارزمی در جبر و مقابله، و «کامل» در حرکات ستارگان.

۵ - ابن هیثم: [محمد بن] الحسن بن هیثم (۳۵۴ - حدود ۴۳۰) بزرگترین

.....

۶۱ - تهذیب، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۹۰ ج ۶، ح ۵۳، ۱۲۱، ۱۵۶. تاریخ بغداد ۱۹/۵.

۶۲ - تهذیب ج ۶ ح ۵۲، فهرست شیخ رقم ۷۸.

۶۳ - تهذیب ج ۶ ح ۴۶، ۴۷، ۶۸، ۷۱، ۷۵، ۹۷، ۱۲۶، ۱۳۹ و ۱۶۲ و بنگرید معجم رجال الحدیث ج ۱۶ ذیل عنوان محمد بن احمد بن داود.

۶۴ - رجال نجاشی رقم ۱۰۴۵، ۵۱۴، لازم به ذکر است که عبارت نجاشی در اینجا مبهم بوده، مرجع ضمائر به درستی روشن نیست علت تردید ما در اینکه ابن داود به شام رفته یا سلامه، نیز همین امر است.

۶۵ - بنگرید مقدمه تهذیب/۱۱. مقدمه امالی مفید/۹.

طبیعی دان قرون وسطی، مخترع عدسی محدب و ذره بین، مؤلف کتابهای المناظر، کیفیة الاظلال، المرآیا المخرقة، ...

۶ - ابوریحان بیرونی: محمد بن احمد خوارزمی (۳۶۲ - ۴۴۰)، ریاضی دان، منجم، تاریخ نگار و فیلسوف طبیعی، مؤلف «آثار الباقیه» در تاریخ و «تفهیم» در علم نجوم و «قانون مسعودی» در هیئت و جغرافیا.

۷ - عبدالرحمن صوفی: ابوالحسن عبدالرحمن بن عمر بن سهل (۲۹۱ - ۳۷۶) ستاره شناس نامی دربار عضدالدوله، مؤلف صورالکواکب و رساله ای در عمل اُسْطُرلاب.

۸ - سیجزی: احمد بن محمد بن عبدالجلیل ابوسعید سیجزی (- زنده در حدود ۳۸۰) ریاضی دان و ستاره شناس معاصر عضدالدوله دیلمی در شیراز، مؤلف جامع شاهی و صدباب.

۹ - مجوسی اهوازی: علی بن عباس (- حدود ۴۴۰) بزرگترین طبیب عالم اسلامی پس از زکریای رازی، طبیب مخصوص عضدالدوله، مؤلف کامل الصناعه موسوم به طب ملیکی.

۱۰ - ابوالقاسم زهراوی: خلف بن عباس قُرْطُبی اندلسی (- ۴۲۷) پزشک و طبیعی دان و جراح اسلامی، مؤلف التصریف لمن عجز عن التألیف در طب و جراحی و «مقاله فی عمل الید».

۱۱ - ابوالفرج اصفهانی: علی بن حسین المرزوانی (۲۸۴ - ۳۵۶) ادیب تاریخ نگار، مؤلف اغانی و مقاتل الطالبیین. *انواع مطالعات فرنگی*

۱۲ - ابوعمید الله مرزبانی: محمد بن عمران (۲۹۶ - ۳۸۴) تاریخ دان و روایتگر ادب و حدیث، مؤلف مفصل در علم بیان و معجم الشعراء و موشح.

۱۳ - ابوسعید سیرافی: حسن بن عبدالله بن مرزبان (۲۸۴ - ۳۶۸) معروف به قاضی، نحوی، لغوی، شارح کتاب سیبویه و مقصوره ابن درّید.

۱۴ - ابن خالویه: حسین بن احمد بن خالویه همدانی (- ۳۷۰ یا ۳۷۱) نحوی، لغوی، شاعر، معرّزدر نزد حمدانیان، مؤلف کتاب الآل و «لیس» فی کلام العرب و شارح مقصوره ابن درّید.

۱۵ - ابوعلی فارسی: حسن بن احمد بن عبدالغفار (۳۰۷ - ۳۷۷) عالم نحوی عربی، همدم سیف الدوله حمدانی و عضدالدوله، مؤلف ایضاح و تکمله در نحو، والحجة در قرائت قرآن.

- ۱۶ - ابوالفتح بن جنی: عثمان بن جنی (قبل از ۳۰۰ - ۳۹۲) دانشمند نحو و صرف عربی، مؤلف لمع در نحو و شرح دیوان ابوالطیب متنبی، شرح حماسه، الخصائص در لغت، الْمُصْتَفِی در شرح تصریف مازنی.
- ۱۷ - ابوالطیب متنبی: احمد بن الحسین جُفَی (۳۰۳ - ۳۵۴) شاعر پر حافظه حکیم که بسیاری از اشعار وی ضرب المثل گردیده است.
- ۱۸ - ابوبکر خوارزمی: محمد بن عباس (۳۲۳ - ۳۸۳) ادیب، شاعر، لغوی و نویسنده عرب، صاحب رسائل.
- ۱۹ - ابن فارس همدانی: احمد بن فارس بن زکریا قزوینی رازی (۳۲۹ - ۳۹۰ یا ۳۹۵) لغوی و ادیب عرب مؤلف مقایس اللغة، مُجْمَل و صاحبی هر سه در لغت.
- ۲۰ - بدیع الزمان همدانی: ابوالفضل احمد بن الحسین بن یحیی (۳۵۸ - ۳۹۸) ادیب و نویسنده و شاعر، صاحب مقامات و رسائل.
- ۲۱ - شریف رضی: محمد بن حسین موسوی (۳۵۹ - ۴۰۶) ادیب و شاعر بزرگ و نقیب علویان، جامع نهج البلاغه و مؤلف حقائق التنزیل.
- ۲۲ - ابن نباته: عبدالرحیم بن محمد بن اسماعیل بن نباته فارقی لُحْمی (- ۳۷۴) خطیب بی مانند حلب، برانگیزنده سیف الدوله برگسترش جهاد با رومیان.
- ۲۳ - ابن حجاج: حسین بن احمد نیلی بغدادی (- ۳۹۱) شاعر بیدله گو و مبتکر شیوه شعر هزل آمیز.
- ۲۴ - ابوالفضل بن عمید: محمد بن الحسین القمی (قبل از ۳۰۰ - ۳۶۰) کاتب و استاد بلاغت، وزیر سیاستمدار رکن الدوله بویه، مؤلف مجموع رسائل.
- ۲۵ - صاحب بن عبّاد: اسماعیل بن عبّاد طالقانی کافی الکفاة (۳۲۶ - ۳۸۵) وزیر ادیب و سیاستمدار مؤید الدوله و فخر الدوله دیلمی مؤلف عنوان المعارف و ذکر الخلاف، الکشف عن مساوی شعر المتنبی، المحيط در لغت.
- ۲۶ - ابوفراس حمدانی: حارث بن سعید بن حمدان (مقتول در ۳۵۷) امیر و قائد شجاع و شاعر پر احساس، پسر عموی سیف الدوله حمدانی.
- ۲۷ - ابن بواب: ابوالحسن علی بن هلال (- ۴۱۳)، کاتب و خوشنویس بزرگ قرن چهارم، آشنای به ادب.

